

## واکنش‌های امام خمینی

### نسبت به تهدیدات امنیتی رژیم صهیونیستی در قبال ایران

\* محمدصادق کوشکی

\*\* سید شهاب لاجوردی

#### چکیده

نویسنده در این مقاله به دنبال شناسایی تهدیدات امنیتی رژیم صهیونیستی در قبال ایران در حوزه‌های مختلف از دوره پهلوی تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران و واکنش‌های امام خمینی نسبت به آنها است. بدین منظور ضمن ارائه تعریفی جامع از مفهوم امنیت و با تمرکز بر تعریف ارائه شده از سوی مکتب کپنهاگ، این تهدیدات را در چهار حوزه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نظامی بررسی و با واکاوی سخنان امام خمینی، واکنش‌های ایشان را نسبت به هر حوزه بیان کرده است و در آخر نیز با توجه به این تهدیدات و واکنش‌ها به ارائه راهبردهایی در مقابله با رژیم صهیونیستی پرداخته است.

#### واژگان کلیدی

رژیم صهیونیستی، رژیم پهلوی، امنیت، تهدید، امام خمینی.

m.saleh313@gmail.com

\*. استادیار دانشگاه تهران.

\*\* دانش آموخته حوزه علمیه قم و دانشجوی دکترای مدرسی معارف اسلامی.

lajevardi91@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۱/۹/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۱/۶/۱۵

### مقدمه

امنیت، فوری‌ترین و ابتدایی‌ترین و ضروری‌ترین نیاز انسان، در سطوح مختلف است. چه آن زمان که به عنوان فرد مطرح است و تعلق و تحقق اراده‌اش در تحقق افعال و امور نیازمند ضمیمه شدن اراده‌های دیگران نباشد، مثل اینکه بخواهد به راز و نیاز با خدای خویش بپردازد و چه آن زمان که تعلق اراده‌اش در تحقق افعال و امور، نیازمند ضمیمه شدن اراده‌های دیگران باشد، مثل این که بخواهد دولت‌سازی کند یا امت‌سازی نماید، یا استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورش را پاس دارد. یا در سطح وسیع‌تر بخواهد جهانی امن و آرام داشته باشد.

هدف نوشتار حاضر بررسی تهدیدات امنیتی رژیم صهیونیستی در قبال ایران از بدو شکل‌گیری و تأسیس آن در سال ۱۹۴۷ میلادی تا پایان دوران حیات پربار حضرت امام خمینی علیه السلام و تشریح واکنش‌های امام به این تهدیدات است. بدین منظور ضمن ارائه تعریفی جامع از مفهوم امنیت و با تمرکز بر تعریف ارائه شده از سوی مکتب کپنهاگ، تهدیدات امنیتی رژیم صهیونیستی را در ابعاد گوناگون آن شرح داده و سپس با واکاوی سخنان امام خمینی، واکنش‌های ایشان را نسبت به هر یک از ابعاد توضیح خواهیم داد. با شناسایی این تهدیدات و واکنش‌های امام خمینی در قبال آنها می‌توان راهبردهایی را برای ایران در مقابله با رژیم صهیونیستی ارائه داد.

### مفهوم امنیت

با وجود تلاش‌های فراوان علمی، دستیابی به تعریف جامع و مانع از مفهوم امنیت بسیار دشوار است. این مفهوم خصایص و صفاتی دارد که محققان را برای دستیابی به تعریف مشترک با دشواری‌های جدی مواجه می‌کند. طبق نظر ولفرز، امنیت در معنای عینی، فقدان تهدید در برابر ارزش‌های کسب شده را مشخص می‌کند و در معنای ذهنی، فقدان ترس و وحشت از حمله علیه ارزش‌های کسب شده را معین می‌کند. دو وجهی بودن مفهوم امنیت در تعاریف لغت‌نامه‌ها که از یک سو به معنای ایمنی در مقابل حمله، استواری و نفوذ ناپذیری، قابلیت اعتماد، اطمینان از عدم شکست و یا تسلیم، و از سوی دیگر به معنای عدم اضطراب از تشویش و خطر اشاره دارد، منعکس می‌باشد. به عبارتی وضعیت فیزیکی را با حالت فکری و

روانی در هم می آمیزد. (فریدمن، ۱۳۷۸: ۳۱۸)

قدمت اندیشه درباره این مفهوم به آغاز حیات بشری و زیست اجتماعی او بازمی‌گردد. در عین حال، مجادلات درباره امنیت از پایان جنگ جهانی دوم به بعد به مجامع آکادمیک راه پیدا کرد. گذشت زمان، نه تنها به بحث‌ها درباره چیستی و ماهیت مفهوم امنیت پایان نداده است، بلکه برعکس از ۱۹۸۰ میلادی به بعد و با پایان جنگ سرد و فروپاشی بلوک شرق و شوروی سابق، مباحث مذکور به عنوان یکی از نقاط کانونی رشته روابط بین‌الملل و مطالعات استراتژیک، ابعاد وسیع‌تری یافته است.

بوزان و همکارانش در مکتب کپنهاگ، یعنی ایوب، کلودزیچ، اولمان، بوث، توماس، کلارک و دیگران از جمله محققانی بودند که سهمی اساسی در توسعه ابعاد امنیت داشتند. مطالعات این محققان، بر این نکته اساسی تأکید داشت که مفهوم امنیت نباید صرفاً به حوزه مسائل و تهدیدات نظامی محدود شود. امنیت معنای عام‌تری است که نه فقط می‌توان آن را در عرصه نظامی به کار بست، بلکه در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست محیطی نیز قابلیت کاربرد دارد. (شیهان، ۱۳۸۸: ۶۴)

بوزان، امنیت را برابر با رهایی از تهدید تعریف می‌کند و معتقد است امنیت در نبود مسئله دیگری به نام تهدید درک می‌شود. از نظر وی امنیت به توان دولت‌ها و جوامع برای حفظ هویت مستقل و تمامیت عملی آن مربوط می‌شود. (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۱۳۵)

امنیت از دیدگاه مکتب کپنهاگ، مفهومی است که به صورت اجتماعی برساخته می‌شود. امنیت، تنها در یک بافت اجتماعی خاص، معنای معین و خاصی دارد. بنابراین، معنای ادراکی امنیت، در نتیجه دگرگونی‌های مادی در محیط خارجی و تغییر و تحولات در شیوه تفکر ما درباره موضوعات، در معرض تغییر است.

مفهوم امنیت از دیدگاه این مکتب از دو جهت باید گسترده باشد: نخست آنکه امنیت صرفاً به حوزه نظامی محدود نمی‌شود و در معنایی موسع‌تر، حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست محیطی را نیز دربر می‌گیرد؛ دوم اینکه آنچه باید امن بماند، نباید صرفاً بر حسب کشور، مفهوم‌سازی شود، بلکه باید افراد درون دولت و نظام بین‌الملل مافوق آن را نیز دربرگیرد. به نظر بوزان امنیت اجتماعات انسانی، تحت تاثیر عواملی در پنج بخش عمده قرار می‌گیرد:

- امنیت نظامی به اثر متقابل دو سطحی توانایی‌های تهاجمی و تدافعی کشورها و برداشت‌های آنان از نیت همدیگر مربوط می‌شود.

- امنیت سیاسی درباره ثبات سازمانی دولت‌ها، نظام‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی است که به آن‌ها مشروعیت می‌بخشد.

- امنیت اقتصادی پیرامون دسترسی به منابع، سرمایه و پول و بازارهای لازم و ضروری برای حفظ سطوح قابل قبول رفاه و قدرت دولت است.

- امنیت اجتماعی به پایداری دوام و الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عادات ملی تحت شرایط قابل قبول برای تکامل و تحول مربوط است.

- امنیت زیست محیطی مربوط به حفظ و نگهداری زیست بوم محلی و جهانی به عنوان نظام حمایتی ضروری و حیاتی است که تمامی امور خطیر و فعالیت‌های مهم بشر به آن بستگی دارد.

نکته قابل توجه در دیدگاه بوزان این است که این پنج بخش، جدای از یکدیگر عمل نمی‌کنند و به طور اجتناب ناپذیری به هم وابسته هستند و به صورت‌های مختلفی با یکدیگر تداخل دارند. (شبهان، ۱۳۸۸: ۶۷ و ۶۸)

### تهدیدات امنیتی رژیم صهیونیستی و موضع‌گیری امام خمینی در برابر آنها

برای بیان تهدیدات رژیم صهیونیستی، لازم است ابتدا تاریخچه مختصری از نوع روابط این رژیم با رژیم پهلوی را بیان کنیم تا به تبع آن علت موضع‌گیری‌های امام نیز واضح‌تر شود.

#### ۱. تهدیدات سیاسی

همانگونه که بیان شد، امنیت سیاسی درباره ثبات سازمانی دولت‌ها و نظام‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی است که به آنها مشروعیت می‌بخشد. با بررسی روابط سیاسی حکومت پهلوی و رژیم صهیونیستی متوجه می‌شویم که یک نوع وابستگی سیاسی به این رژیم در آن دوران ایجاد شده بود و موضع‌گیری دولت ایران در قبال سایر کشورها و دول اسلامی بسته با خشنودی یا ناخشنودی رژیم صهیونیستی بوده است.

روابط سیاسی غیررسمی رژیم ایران و رژیم صهیونیستی که طی سه دهه (۱۳۲۷ - ۱۳۵۷) به صورت پیدا و پنهان تحقق یافت، از حساسیت ویژه‌ای برخوردار بوده است.

در فاصله سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۲ به دلیل بی‌ثباتی سیاسی داخلی و نبود سیاست خارجی مشخص و مدون که ناشی از سقوط دیکتاتوری رضاشاه و پایان دوران اختناق بود، روابط ایران و رژیم صهیونیستی، تنها محدود به شناسایی دوفاکتوی این رژیم از سوی دولت ایران شد و دلیل آن هم این بود که اولاً شاه در سیاست داخلی خویش در حال تحکیم پایه‌های قدرت داخلی خود بود و نمی‌توانست به‌سادگی، خلاف میل علما عمل کند و ثانیاً در سیاست خارجی خویش در مقابله با شوروی قرار داشت و سعی می‌کرد حمایت آمریکا را به خود جلب کند، لذا رژیم صهیونیستی یک گزینه منطقی برای برقراری روابط تلقی نمی‌شد.

روابط ایران و رژیم صهیونیستی پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ وارد مرحله نوینی شد. شاه با در نظر گرفتن تهدیدات شوروی از یک سو و تهدیدات برخی کشورهای تندرو عربی مانند مصر از سوی دیگر و در راستای سیاست ناسیونالیسم مثبت، امنیت حکومت خود را بر اساس پیوند با غرب و رژیم صهیونیستی پایه‌ریزی کرد. رژیم صهیونیستی نیز برای جلوگیری از انزوا و آسیب‌پذیری، نیازمند یافتن متحدی در منطقه بود. این دیدگاه در چارچوب دکترین میثاق حاشیه‌ای بن‌گورین - نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی - مبنی بر روابط با کشورهای پیرامون جهان عرب با سیاست ناسیونالیسم مثبت شاه انطباق پیدا کرد و روابط در سطح مناسبی ادامه و تثبیت یافت.

در سال ۱۳۳۷ مئیر عزری که یک صهیونیست ایرانی تبار بود به عنوان سفیر رژیم صهیونیستی در ایران شروع به فعالیت کرد و در طول سال‌های فعالیت خود نقش مهمی در تحکیم روابط دو رژیم داشت. تسلط او به زبان فارسی و آشنایی با مقامات و مسایل ایران یکی از عوامل کامیابی او شد، به طوری که بیش از پانزده سال سفیر آن رژیم در ایران بود. شاه با اجرای سیاست مستقل ملی به‌جای اصطلاح ناسیونالیسم مثبت از اوایل دهه ۱۳۴۰ به بعد، به صورت فعال‌تری در صحنه‌های فرامنطقه‌ای ظاهر شد، ولی این سیاست نیز همانند دوره قبل با دکترین میثاق حاشیه‌ای بن‌گورین در یک راستا بود و لذا عملاً تغییری در سیاست‌های رژیم پهلوی ایجاد نشد و حتی با توجه به اتفاقات داخلی مثل زلزله بوئین‌زهرا و

طرح کشاورزی دشت قزوین که مشارکت صهیونیست‌ها را به دنبال داشت و همچنین افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی و جنون شاه به خرید تسلیحات نظامی از رژیم صهیونیستی و بروز اتفاقات خارجی مثل کودتای عبدالسلام عارف در عراق و دشمنی او با ایران و کشف توطئه جدایی خوزستان از ایران توسط دستگاه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی، روابط ایران و رژیم صهیونیستی از استحکام بیشتری نیز برخوردار شد.

امام خمینی به عنوان رهبری آگاه و بصیر در برابر برقراری رابطه سیاسی با اسرائیل موضع‌گیری کرده و در سخنرانی‌های مختلف به تشریح ماهیت رژیم جعلی و غاصب صهیونیستی پرداختند. امام در یکی از سخنرانی‌های خود رابطه با رژیم صهیونیستی را از بعد ملی مورد بررسی قرار دادند و برقراری رابطه با چنین رژیم کوچک و منفوری را مایه ننگ و سرافکنندگی ملت بزرگ ایران دانستند و بدین وسیله احساسات میهن دوستانه و عرق ملی مردم و حاکمان را تحریک کردند و به جوشش درآوردند. ایشان در اعلامیه مشترک آیات عظام به مناسبت سالگرد قیام ۱۵ خرداد راجع به رژیم صهیونیستی فرمودند:

ما نمی‌دانیم اینها چه بستگی با اسرائیل و عمال اسرائیل دارند! آیا برای مملکت کهنسالی مثل ایران ننگ نیست که دولت اسرائیل بگوید ما حمایت از ایران می‌کنیم! ایران بزرگ تحت الحمایه اسرائیل است؟ آیا خلاف مصالح کشور نیست که مطالب خودساخته بی‌سر و پایایی را در افواه ملت بیندازند، و روزنامه‌ها در اطرافش بحث کنند و ضعف دولت را بر ملا نمایند؟ این سیاست غلط نیست؟ این فضاخت نیست؟ اینها ملت را خواب فرض کردند؟ (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱ / ۳۳۶)

ایشان رژیم صهیونیستی را دشمن درجه یک اسلام و مسلمانان می‌دانستند و هرگونه رابطه با آن را حرام اعلام کردند:

کراراً دولت‌ها را بخصوص دولت ایران را از اسرائیل و عمال خطرناک آن تحذیر نمودم. این ماده فساد که در قلب ممالک اسلامی با پشتیبانی دول بزرگ جایگزین شده است و ریشه‌های فسادش هر روزی ممالک اسلامی را تهدید می‌کند، باید با همت ممالک اسلامی و ملل بزرگ اسلام ریشه کن شود. اسرائیل قیام مسلحانه بر ضد ممالک اسلامی نموده است و بر دول و ملل اسلام قلع و قمع آن لازم است، کمک به اسرائیل چه فروش اسلحه و مواد منفجره و

واکنش‌های امام خمینی نسبت به تهدیدات امنیتی رژیم صهیونیستی در قبال ایران □ ۸۵

چه فروش نفت حرام و مخالفت با اسلام است، رابطه با اسرائیل و عمال آن چه رابطه تجاری و چه رابطه سیاسی حرام و مخالفت با اسلام است، باید مسلمین از استعمال امتعه اسرائیل خودداری کنند. (همان: ۲ / ۱۳۹)

امام خمینی ضابطه کلی در برقراری روابط با کشورهای مختلف را ظالم نبودن آنها بیان کرده و فرمودند:

ما با هر کشوری که بخواهد ظلم کند مخالفیم. حال این کشور چه در غرب و چه در شرق. اسرائیل حقوق مردم عرب را غصب کرده است، ما با او مخالفت خواهیم کرد. (همان: ۵ / ۲۹۵)

ایشان، اهداف اسرائیل از رابطه با ایران را بیان کرده و فرمودند:

اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت دانشمند باشد؛ اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت قرآن باشد؛ اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت علمای دین باشند؛ اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت احکام اسلام باشد. اسرائیل به دست عمال سپاه خود، مدرسه را کوبید. ما را می‌کوبند؛ شما ملت را می‌کوبند. (همان: ۱ / ۲۴۴)

## ۲. تهدیدات اقتصادی

منظور از امنیت اقتصادی، دسترسی به منابع، سرمایه و پول و بازارهای لازم و ضروری برای حفظ سطوح قابل قبول رفاه و قدرت دولت است. نوع روابط اقتصادی دولت پهلوی با رژیم صهیونیستی که در ادامه به آن اشاره می‌کنیم، باعث شده بود تا امنیت اقتصادی در کشور در خطر قرار گیرد.

یک. صادرات نفتی و روند همکاری پیرامون آن

در میان روابط اقتصادی ایران و رژیم صهیونیستی، صادرات نفت به این رژیم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. علاقه رژیم صهیونیستی به نفت ایران به اندازه‌ای بود که در هر شرایطی همواره سعی و تلاش داشت تا هر گونه مشکلی را حل کند تا جریان نفت به صورت دائمی ادامه یابد. این سیاست به گونه‌ای پیش رفت که حتی فراز و نشیب‌های روابط ایران و رژیم صهیونیستی هرگز نتوانست جریان نفت را تا پیروزی انقلاب اسلامی قطع کند.

ایران بزرگ‌ترین فروشنده نفت به این رژیم بود، هر چند شاه در مصاحبه‌های مطبوعاتی، منکر ارسال نفت به سرزمین‌های اشغالی می‌شد و از چگونگی انتقال نفت به آنجا اظهار بی‌اطلاعی می‌کرد. شاه در برابر شدیدترین واکنش‌های کشورهای عربی، به‌ویژه جمال عبدالناصر مقاومت کرد و به درخواست‌های برخی از مقامات کشورهای عربی و افراد با نفوذ جهان اسلام مبنی بر قطع صادرات نفت به رژیم صهیونیستی اعتنایی نکرد و مشارکت ایران را در خط نفت بندر ایلات - اشکلون که قرارداد آن در سال ۱۳۳۶ بین دو رژیم منعقد شده بود و صادرات آن به رژیم صهیونیستی در سال ۱۳۴۰ به دو برابر رسیده بود، (ازغندی، ۱۳۷۶: ۴۱۲) سودمند دانست.

#### دو. مبادلات تجاری و بازرگانی

یکی از قراردادهای مهم بازرگانی که در واقع به عنوان سرآغاز توسعه مناسبات اقتصادی بین ایران و رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود، موافقتنامه بین بانک ملی ایران و بانک «لوسی لو» رژیم صهیونیستی است. این قرار داد پایاپای، اعتباری نیم‌میلیون دلاری شامل خریدهای طرفین بود. رژیم صهیونیستی طبق قرارداد مزبور می‌توانست کالاهایی به بهای نیم‌میلیون دلار که عبارت بودند از محصولات زراعتی و خواروبار و نفت از ایران خریداری کند. ایران نیز مواد صنعتی، پارچه، لباس‌های دوخته شده، ماشین آلات، اتومبیل، سیمان، مواد دارویی و آرایشی را از رژیم صهیونیستی خریداری می‌کرد. (ولایتی، ۱۳۸۰: ۱۶۲)

نگاهی به جدول میزان بازرگانی خارجی ایران به رژیم صهیونیستی، ما را با این واقعیت آشنا می‌سازد که فاصله بسیار زیادی بین صادرات ایران به رژیم صهیونیستی نسبت به واردات کالا از آن رژیم وجود دارد. از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۲ واردات ایران از رژیم صهیونیستی از رقم ۲۱۶۰ میلیون ریال به ۱۴۷۰۰ میلیون ریال افزایش یافت و صادرات به این رژیم از ۹ به ۱۸۱ میلیون ریال صعود کرد.

#### سه. همکاری در بخش کشاورزی

همکاری ایران و رژیم صهیونیستی در زمینه کشاورزی از اوایل دهه چهل گسترش یافت و سفرهای مقامات دو کشور در این بخش و اعزام کارشناسان امور کشاورزی افزایش پیدا کرد.



رژیم صهیونیستی می‌کوشید تا در اصلاحات ارضی که شاه ایران تبلیغات وسیعی پیرامون آن انجام داده بود، نقشی تأثیرگذار داشته باشد. به همین منظور، همواره از مجریان و کارشناسان ایرانی طرح برای سفر به سرزمین‌های اشغالی و کسب آموزش‌های لازم و در نهایت، الگوپذیری از سیستم کشاورزی این رژیم دعوت می‌کرد. (بی‌نا، ۱۳۷۶: ۸۹)

رژیم صهیونیستی علاوه بر فعالیت در زمینه کشاورزی، در ارتباط با دامپروری نیز تبادلاتی با ایران داشت به طوری که از سال ۱۳۳۹ به بعد هزاران رأس از گاوهای اسرائیلی از طریق هوایی به ایران صادر شدند. (ولایتی، ۱۳۸۰: ۱۶۶) همچنین، ایران از خریداران مهم گوسفند این رژیم نیز به شمار می‌رفت. (زارع، ۱۳۸۴: ۱۶۴)

ایران برای میوه و مرکبات رژیم صهیونیستی هم بازار پر فایده و مناسبی محسوب می‌شد. تأمین هزاران و بلکه میلیون‌ها صندوق پرتقال از طریق سرزمین‌های اشغالی برای تغذیه رایگاه دانش‌آموزان مدارس (همان) و همچنین تهیه میوه مورد نیاز ارتش ایران (عزری، ۲۰۰۰: ۱ / ۳۳۲) توسط رژیم صهیونیستی گویای این واقعیت است.

پس از وقوع زلزله در منطقه بوبین زهرای قزوین در سال ۱۳۴۱ و امداد رسانی اولیه و بررسی دقیق خرابی‌ها، وزارت کشاورزی ایران تصمیم گرفت تا یک برنامه جامع بازسازی و توسعه را در این منطقه اجرا کند. سال بعد یک شرکت صهیونیستی به نام تاهال در مناقصه مربوطه انتخاب شد و شروع به کار کرد. پروژه قزوین شامل چهار مرحله بود و صهیونیست‌ها توانسته بودند با نفوذ خود در وا‌شنگتن، نظر بانک جهانی را برای پرداخت بیست میلیون دلار وام برای اجرای طرح جلب کنند. بهبود وضعیت زندگی و در آمد روستاییان یکی از اهداف مهم پروژه به حساب می‌آمد و قرار بود در آمد سالانه هر کشاورز قزوینی به تدریج با اجرای کامل طرح از چهل دلار در سال به پانصد دلار افزایش یابد. (سبحانی، ۱۳۷۷: ۱۳۲)

#### چهار. فعالیت شرکت‌های صهیونیستی در ایران

فعالیت شرکت‌های مختلف رژیم صهیونیستی را در ایران می‌توان به عنوان یکی از بخش‌های مهم روابط اقتصادی ایران و این رژیم برشمرد. انجام طرح‌های صنعتی و کشاورزی، ساخت و احداث سدها، کارخانه‌ها، ساختمان‌های بزرگ، مجتمع‌های مسکونی، هتل‌ها، راهسازی،

پلسازی، تعمیر پالایشگاه، مؤسسه‌ها و همچنین صادرات و واردات محصولات، حمل کالا، مبادلات پستی و تولیدات کالا در زمینه‌های مختلف، از جمله مواردی هستند که شرکت‌های صهیونیستی در ارتباط با آنها به طور فعال و گسترده ظاهر شدند و از این طریق، علاوه بر نفوذ در سیستم اقتصادی ایران، سهم بزرگی از درآمدهای اقتصادی را از آن خود ساختند. همانگونه که بیان شد، رژیم صهیونیستی بیشتر فعالیت‌های تجاری داخل ایران را در اختیار داشت و این مسئله از چشمان تیزبین حضرت امام خمینی علیه السلام به دور نمانده بود. ایشان در مواقع مختلف نسبت به این روابط بیاناتی را ایراد فرمودند که به آنها اشاره می‌کنیم: ایشان امنیت اقتصادی کشور و تسلط عمال رژیم صهیونیستی بر بسیاری از کارخانه‌ها و مراکز اقتصادی کشور را مورد اشاره قرار داده و فرمودند:

هدف اسلام است؛ استقلال مملکت است؛ طرد عمال اسرائیل است؛ اتحاد با کشورهای اسلامی است. الآن تمام اقتصاد مملکت در دست اسرائیل است؛ عمال اسرائیل اقتصاد ایران را قبضه نموده‌اند؛ اکثر کارخانجات در دست آنها اداره می‌شود: تلویزیون، کارخانه ارج، پپسی کولا. ... امروز حتی تخم مرغ از اسرائیل وارد می‌کنند. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱ / ۲۶۷)

امام خمینی نسبت به تهدیدات اقتصادی رژیم صهیونیستی احساس خطر کردند و آن را به مردم نیز اعلام فرمودند. از دید ایشان، در حالی که رژیم صهیونیستی در حال جنگ با ملت‌های مسلمان است و دشمن درجه یک آنها به شمار می‌رود، نباید از نظر اقتصادی به او کمک کرد. ایشان، کمک‌های اقتصادی دولت پهلوی به این رژیم را سبب به خطر افتادن استقلال مملکت می‌دانستند و لذا فرمودند:

تأسف بالاتر، تسلط اسرائیل و عمال اسرائیل است بر بسیاری از شئون حساس مملکت و قبضه نمودن اقتصادیات آن، به کمک دولت و عمال دستگاه جبار. اسرائیل با دولت اسلامی در حال جنگ است، و دولت ایران با کمال دوستی با او رفتار می‌کند و همه نحو وسایل تبلیغ و ورود کالاهای آن را فراهم می‌سازد. من کراراً اعلام خطر کرده‌ام: خطر برای دیانت مقدسه، خطر برای استقلال مملکت، خطر برای اقتصاد کشور (همان: ۱ / ۲۶۲)

امام، مردم ایران را حامی ملت‌های مسلمان می‌دانستند و یکی از علل قیام مردم عیله دولت پهلوی را حمایت اقتصادی از رژیم صهیونیستی و تأمین بازارهای مصرف آن دانسته و فرمودند:

یکی از علل قیام مردم مسلمان ایران علیه شاه، حمایت بی‌دریغ او از اسرائیل غاصب است. و شاه، نفت اسرائیل را تأمین می‌کند. ایران را بازار مصرف کالاهای اسرائیل کرده است و حمایت‌های معنوی دیگر. و برای فریب افکار جهانی صرفاً به محکوم کردن اسرائیل می‌پردازد. ملت مسلمان ایران و هیچ مسلمانی و اصولاً هیچ آزاده‌ای، اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد و ما همواره حامی برادران فلسطینی و عرب خود خواهیم بود. (همان: ۵ / ۱۳۹)

امام خمینی، با تیزهوشی نیت واقعی اسرائیل از رابطه با ایران را برملا کردند. ایشان تبدیل ایران به یک ملت وابسته و تصاحب ثروت آن را هدف واقعی این رژیم از رابطه با ایران بیان کرده و فرمودند:

اسرائیل می‌خواهد اقتصاد شما را قبضه کند؛ می‌خواهد زراعت و تجارت شما را از بین ببرد؛ می‌خواهد در این مملکت، دارای ثروتی نباشد، ثروتها را تصاحب کند به دست عمال خود. (همان: ۲۴۴)

ایشان با اطلاعاتی که از مناطق مختلف ایران کسب کرده بودند، نسبت به سلطه رژیم صهیونیستی بر زمین‌های مرغوب کشاورزی هشدار داده و فرمودند:

الآن که من اینجا نشسته‌ام برای شما صحبت می‌کنم، مزارع بسیار خوب ایران - بسیاری‌اش - در دست اسرائیل است! از ایلام به من نوشته‌اند که مزارع خوب اینجا را داده‌اند اسرائیل چغندر بکارند. تابلویی زدند به کنار جاده که مزرعه نمونه ایران و اسرائیل. (همان: ۳۸۷)

### ۳. تهدیدات نظامی

امنیت نظامی به اثر متقابل دو سطحی توانایی‌های تهاجمی و تدافعی کشورها و برداشت‌های آنان از نیات همدیگر مربوط می‌شود. نوع روابط نظامی رژیم صهیونیستی با دولت پهلوی باعث به خطر افتادن منافع نظامی ایران شد و در نتیجه موضع‌گیری صریح امام خمینی علیه‌السلام را به دنبال داشت. شاه همواره به دنبال منبع مطمئنی برای تأمین سلاح خود بود و رژیم صهیونیستی

مناسب‌ترین منبع بود و این مسئله سبب شد که بین ایران و رژیم صهیونیستی روابط نظامی هم برقرار شده و آنها به یکدیگر نزدیک‌تر شوند.

روابط نظامی ایران و رژیم صهیونیستی در پی مناسبات اقتصادی، امنیتی - اطلاعاتی و سیاسی شکل گرفت. تأثیر موفقیت‌های نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی در جنگ با اعراب بر محافل نظامی ایران و الگو قرار دادن ارتش رژیم صهیونیستی برای ارتش ایران و همچنین، تمایل و علاقه‌مندی آمریکا به هماهنگ ساختن ارتش‌های ایران و رژیم صهیونیستی به عنوان ستون‌های نظامی و متحدان استراتژیک خود در منطقه خاورمیانه، زمینه‌های لازم را برای مبادله اطلاعات نظامی و سفرهای مقامات برجسته نظامی هر دو طرف به تهران و تل‌آویو فراهم کرد.

شاه بر آن بود تا در امور آموزشی نظامی هم، همانند بخش‌های دیگر از صهیونیست‌ها استفاده کند. با توجه به آماری که مطبوعات اروپایی در سال ۱۳۵۶ انتشار دادند، حدود پانزده‌هزار نظامی ایرانی مشغول آموزش در اسرائیل بودند. (ازغندی، ۱۳۷۶: ۴۱۶) در واقع، بیشتر افسران ارشد شاه و صدها افسر رده پایین نیز برخی از جنبه‌های آموزش نظامی رژیم صهیونیستی را فراگرفته بودند.

از آنجا که امام خمینی، رژیم صهیونیستی را دشمن اسلام و مسلمانان می‌دانستند، برقراری هرگونه رابطه با آن را ممنوع دانسته و اعزام سربازان به اسرائیل را مورد انتقاد قرار داده و فرمودند:

شما کارشناس نظامی از اسرائیل به این مملکت می‌آورید؛ شما محصلین را از اینجا به اسرائیل می‌فرستید؛ ای کاش به جای دیگر می‌فرستادند؛ به آمریکا می‌فرستادند؛ ای کاش به انگلستان می‌فرستادند؛ به اسرائیل می‌فرستید. ما با اینها مخالفیم. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱ / ۳۰۰)

#### ۴. تهدیدات اجتماعی و فرهنگی

همانگونه که بیان شد، امنیت اجتماعی شامل پایداری و دوام الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عادات ملی تحت شرایط قابل قبول برای تکامل و تحول مربوط است. از

آنجا که صهیونیست‌ها همواره به مقوله فرهنگ و آموزش با نگاه ویژه‌ای می‌نگریستند، توانسته بودند با استفاده از شیوه‌های متنوع و ابزارهای گوناگون فرهنگی در راستای ترویج فرهنگ صهیونیستی در میان مردم ایران و گسترش روابط در تمام زمینه‌ها، نهایت بهره‌برداری را در طول روابط خود با ایران داشته باشند و از این طریق مذهب، هویت و عادات ملی مردم ایران را تهدید کنند.

رژیم صهیونیستی با تلاش و کوشش گسترده، سعی کرد تا عده‌ای از مطبوعات و نویسندگان و مدیران و مسئولین مطبوعات را با خود همراه سازد و از طریق آنها به اهداف خود برسد. براساس اسناد ساواک، سه هدف عمده از سوی رژیم صهیونیستی در این باره دنبال می‌شد که عبارت بودند از: به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی و شکستن قبح رابطه با این رژیم؛ تبلیغ پیروزی‌های ارتش رژیم صهیونیستی؛ ایجاد جنگ روانی علیه کشورهای عرب همسایه.

کمک‌های مالی و اعطای امکانات به مطبوعات یکی از شیوه‌هایی بود که صهیونیست‌ها به منظور رسیدن به اهداف خود و تأثیرگذاری بیشتر بر افکار عمومی در ایران به وسیله افراد وابسته انجام می‌دادند. به عنوان نمونه، داریوش همایون یکی از این افراد بود که حاضر شده بود در برابر حمایت‌های مالی و امکانات و راه‌اندازی روزنامه آیندگان، مطالب روزنامه را همیشه علیه اعراب و به نفع رژیم صهیونیستی تدوین کند. (احمدی، ۱۳۸۷: ۵۲ و ۵۳)

فعالیت دیگر نمایندگی رژیم صهیونیستی در تهران، دعوت از روزنامه‌نگاران، فرهنگیان و روشنفکران برای سفر به سرزمین‌های اشغالی بود. رژیم صهیونیستی قصد داشت با این کار، قشرهای مذکور را تحت تأثیر پیشرفت‌های قابل توجه خود در برخی از امور قرار دهد و با استفاده از امکانات رسانه‌ای و محیط‌های آموزشی که در اختیار این قشر از جامعه بود، تأثیرگذاری خود را به درون جامعه ایران انتقال داده و چهره‌ای مطلوب و مناسب از خود نزد افکار عمومی ترسیم کند تا از این طریق به تقویت روابط و اهداف خود دست یابد. لذا تعدادی از روشنفکران صاحب قلم همچون خلیل ملکی، جلال آل احمد و داریوش آشوری عازم فلسطین اشغالی شدند. خلیل ملکی و داریوش آشوری و همفکرانشان در بازگشت، تبلیغات خود به سود سوسیالیسم کبیوتسی را آغاز کردند، ولی جلال آل احمد با نگارش مقالاتی به افشای ماهیت رژیم صهیونیستی پرداخت. (فردوست، ۱۳۷۰: ۱۲۸)

یکی از فعالیت‌های مهم و مؤثر رژیم صهیونیستی در امور فرهنگی، راه اندازی بخش فارسی رادیوی این رژیم بود. برنامه‌های این رادیو شامل آگاهی از رژیم صهیونیستی و کشورهای خاورمیانه، خلاصه روزنامه‌ها، گفتار سیاسی، بررسی اوضاع اقتصادی، ادبی و اجتماعی کشور و نیز نوازندگی ایرانی و عبرانی بود. (زارع، ۱۳۸۴: ۳۲۹)

رژیم صهیونیستی قصد داشت تا از طریق مبادله هیئت‌های هنری و ورزشی، به صورت غیرمستقیم موضوع علنی شدن رابطه با ایران را دنبال کند. این موضوعی بود که ساواک نیز بدان معتقد بود. براساس نظریه ساواک، ورزش می‌توانست یکی از ابزارهای مناسب برای آشکارسازی روابط ایران و رژیم صهیونیستی باشد. لذا مسابقات ورزشی در رشته‌های مختلف، از جمله فوتبال، کشتی، تنیس، شطرنج و واترپلو با ورزشکاران رژیم صهیونیستی برگزار شد. یکی از اقدامات حساسیت برانگیز، برگزاری جام فوتبال باشگاه‌های آسیایی سال ۱۳۴۹ در ایران و حضور تیم فوتبال هاپوئل از رژیم صهیونیستی در این جام بود. حضور تیمی از این رژیم، حکایت از وجود روابط بین دو رژیم می‌کرد که با عکس‌العمل شدید دانشجویان، بازاریان و هیئت‌های مذهبی مواجه شد.

همکاری‌های آموزشی و دانشگاهی و تحصیل دانشجویان ایرانی در سرزمین‌های اشغالی یکی دیگر از ابعاد روابط فرهنگی میان دو رژیم بود به طوری که از اوایل دهه ۱۳۴۰ تعداد دانشجویان ایرانی در سرزمین‌های اشغالی، به‌طور محسوسی رو به افزایش گذاشت و در سال ۱۳۴۳ تعداد دانشجویان ایرانی در آنجا متجاوز از صد نفر بود. تعداد دانشجویان ایرانی در سال‌های بعد افزایش بیشتری یافت؛ به طوری که در سال‌های اول دهه ۱۳۵۰، تعداد دانشجویان ایرانی در سرزمین‌های اشغالی بیش از ۳۵۰ دانشجو بود که در دانشگاه‌های مختلف رژیم صهیونیستی تحصیل می‌کردند. (ولایتی، ۱۳۸۰: ۱۲۶)

رژیم صهیونیستی برای پیشبرد اهداف فرهنگی خود از افراد فرقه بهائیت نیز استفاده فراوانی کرد. فرقه بهائیت که در عمل، شاخه‌ای از رژیم صهیونیستی به‌شمار می‌رود، همه قوای خود را برای اجرای نقشه نابودی اندیشه‌های ملی و مذهبی در ایران به کار گرفت و برای این منظور مجریان خود را انتخاب کرد تا در بلندمدت آرمان‌های ملی و سنت‌های دینی را تخریب کنند. از این رو بهائیان، به تدریج در صدد تسخیر پست‌های حساس و کلیدی ایران

برآمدند. بهائیان در کنار عناصر فراماسون و صهیونیست، در دوران محمدرضا شاه نقش مهمی در اجرای نظرات و سیاست‌های خود داشتند. در این دوران با توجه به نفوذ بیشتر آمریکا و رژیم صهیونیستی، تلاش فراوانی برای رسمیت بخشیدن به فرقه بهائیت می‌شد؛ زیرا آنها نقش مؤثری در تثبیت رژیم سلطنتی و حکومت شاه داشتند؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از نزدیکان شاه و خاندان پهلوی و عده زیادی از کارگزاران و متولیان پست‌های حساس و کلیدی کشور بهائی بودند. (منصوری، ۱۳۷۳: ۳۲۴)

امام خمینی علیه السلام در قبال اقدامات فرهنگی و اجتماعی رژیم صهیونیستی افشاگری کردند و مردم را از اهداف شوم این رژیم آگاه کردند. ایشان با نگرانی از نفوذ روزافزون عمال آن رژیم غاصب در پست‌های کلیدی مملکت، خطاب به سران دولت پهلوی فرمودند:

اینها - عمال اسرائیل در ایران - هر جا انگشت می‌گذاری می‌بینی که یکی از اینهاست مراکز حساس؛ مراکز خطرناک؛ و الله، مراکز خطرناک برای تاج این آقا. ملتفت نیستند اینها. ... اینها حکومت را از خودشان می‌دانند. اینها در کتابهایشان نوشته‌اند، در مقالاتشان نوشته‌اند: حکومت مال ماست؛ باید ما یک سلطنت جدیدی به وجود بیاوریم؛ یک حکومت جدیدی به وجود [بیاوریم]؛ حکومت عدل. همینهایی که یک همچو سوء نظرها و سوء نیت‌هایی را دارند، از دربار گرفته تا آن آخر مملکت، از این اشخاص آنجا موجودند. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱ / ۳۸۹)

امام خمینی راجع به خطر نفوذ بهائیان که دشمن اسلام و هم پیمان اسرائیل بودند، در دستگاه حاکم احساس خطر کرده و فرمودند:

آقایان باید توجه فرمایند که بسیاری از پست‌های حساس به دست این فرقه است که حقیقتاً عمال اسرائیل هستند. خطر اسرائیل برای اسلام و ایران بسیار نزدیک است. ... آقایان بدانند که خطر امروز بر اسلام کمتر از خطر بنی امیه نیست. دستگاه جبار با تمام قوا به اسرائیل و عمال آنها (فرقه ضالّ و مضلّه) همراهی می‌کند. دستگاه تبلیغات را به دست آنها سپرده، و در دربار دست آنها باز است. در ارتش و فرهنگ و سایر وزارتخانه‌ها برای آنها جا باز نموده و شغل‌های حساس به آنها داده‌اند. خطر اسرائیل و عمال آن را به مردم تذکر دهید. (همان: ۱ / ۱۸۶ و ۲۳۰)

### اصول راهبردی امام در رابطه با رژیم صهیونیستی

روابط رژیم صهیونیستی با دولت پهلوی، نمونه‌ای از نوع برقراری رابطه با دیگر کشورها توسط این رژیم است که بیان شد. امام خمینی به عنوان عالمی که نه تنها دغدغه ایران، بلکه دغدغه تمامی ممالک اسلامی را داشتند در موضع‌گیری‌های خود، خطر اسرائیل را به همه مسلمانان و حکام اسلامی هشدار می‌دادند و در بیانات خود، اهداف و مقاصد شوم اسرائیل را به صورت کلی بیان می‌کردند تا باعث بیداری و حساسیت همه مسلمانان شود.

ایشان هدف از تأسیس رژیم جعلی اسرائیل توسط دولت‌های استکباری را تسلط بر تمامی ممالک اسلامی می‌دانستند و از این طریق سعی می‌کردند تا ذهنیت مسلمانان و حکام آنان را از فلسطین به کل کشورهای اسلامی معطوف کنند. لذا ایشان فرمودند: «اگر اسرائیل قدرت پیدا کند، اکتفا به بیت المقدس نمی‌کند». (همان: ۷ / ۱۸۷)

امام خمینی، مسئله اسرائیل را از سطح ملی، فراتر دانسته و آن را مرتبط با اسلام و جهان اسلام می‌دانستند. از این رو مبارزه با اسرائیل را وظیفه همه مسلمانان دانسته و می‌فرمودند:

قبلاً هم تذکر داده‌ام که دولت غاصب اسرائیل، با هدفیایی که دارد، برای اسلام و ممالک مسلمین خطر عظیم دارد و خوف آن است که اگر مسلمین به آنها مهلت دهند، فرصت از دست برود و جلوگیری از آنها امکان‌پذیر نشود. و چون احتمال خطر متوجه به اساس اسلام است، لازم است بر دول اسلامی - بخصوص - و بر سایر مسلمین - عموماً - که دفع این ماده فساد را به هر نحو که امکان دارد بنمایند و از کمک به مدافعین کوتاهی نکنند. (همان: ۲ / ۱۹۵)

ایشان سطح هشدار را از این هم فراتر برده و اسرائیل را دشمن بشریت و دشمن انسان خطاب کردند؛ زیرا نه تنها سرزمین‌هایی را غصب کرده، بلکه باعث نابودی بسیاری از افراد در مناطق جنوب لبنان و فلسطین شده است؛ لذا روز قدس را برای اعلام این مطلب به تمام جهانیان قرار دادند. (همان: ۹ / ۲۷۷)

از نظر امام خمینی، دلیل قدرت گرفتن دولت‌های استعماری و به خصوص اسرائیل، این است که امت اسلامی با یکدیگر متحد نیستند و در عین اینکه از این نقطه ضعف خویش کاملاً آگاه هستند، هیچ تلاشی برای اتحاد نمی‌کنند. ایشان این مسئله را به صورت معمایی



حل نشده معرفی کرده و فرمودند:

برای من یک مطلب به شکل معماست و آن این است که همه دولت‌های اسلامی و ملت‌های اسلام می‌دانند که این درد چیست، می‌دانند که دست‌های اجانب در بین است که اینها را متفرق از هم بکنند، می‌بینند که با این تفرقه‌ها ضعف و نابودی نصیب آنها می‌شود، می‌بینند که یک دولت پوشالی اسرائیل در مقابل مسلمین ایستاده - که اگر مسلمین مجتمع بودند، هر کدام یک سطل آب به اسرائیل می‌ریختند او را سیل می‌برد - مع ذلک در مقابل او زبون هستند. (همان: ۹ / ۲۷۴)

امام، آمریکا و اسرائیل را منشأ تمام بدبختی‌های جوامع اسلامی دانسته و ایمان به خداوند متعال را عامل اتحاد دولت‌های اسلامی و ریشه‌کن کردن فساد منطقه معرفی کردند. (همان: ۱۲ / ۱۳۸)

ایشان پس از بیان مشکل دولت‌های اسلامی و حکام آنان و بیان راه حل این مشکل، مردم مسلمان این کشورها را مخاطب قرار داده و فرمودند:

مسلمانها نشینند که حکومتهاشان برایشان عمل بکنند و اسلام را از دست صهیونیسم نجات بدهند. نشینند که سازمانهای بین‌المللی برای آنها کار بکنند. ملت‌ها خودشان باید قیام کنند در مقابل اسرائیل. ملت‌ها باید خودشان قیام کنند و حکومت‌های خودشان را وادار کنند که در مقابل اسرائیل بایستند و اکتفا نکنند به محکوم کردن. (همان: ۱۵ / ۴۳۹)

بدین ترتیب اعلام کردند که تکلیف مبارزه با اسرائیل، تنها متوجه حکام اسلامی نیست و اگر آنها در این زمینه سستی و اهمال کردند، مردم آنها وظیفه دارند این مبارزه را با اتحاد و برادری تا سرنگونی کامل رژیم صهیونیستی ادامه دهند.

عقل و اسلام می‌گوید شما با هم متحد باشید و اگر متحد باشید هیچ کشوری به شما نمی‌تواند تعدی کند. اسرائیل جرأت به خودش نمی‌دهد که در این کشورها باقی بماند و در زمین‌های غصبی باقی بماند اگر شما با هم متحد بشوید. اکنون که با هم اختلاف دارید، اسرائیل فریاد می‌زند که هیچ قدرتی نمی‌تواند [با ما مقابله کند]. (همان: ۴۵۳)

## نتیجه

در این نوشتار سعی شد با ارائه شواهدی از نوع روابط رژیم صهیونیستی با دولت پهلوی نشان داده شود که این رژیم همواره به دنبال سوء استفاده از سایر دولت‌ها برای پیشبرد اهداف خود است و مجموع اقدامات آن رژیم در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی و فرهنگی، تهدیدی در زمینه‌های مختلف برای کشورها، به خصوص کشورهای اسلامی به شمار می‌رود. امام خمینی ره نیز با درک دقیقی که از ماهیت رژیم صهیونیستی و اقدامات خصمانه آن داشتند، نسبت به تمامی این موارد موضع گیری کردند و به ایراد سخنرانی و افشاگری و روشنگری پرداختند.

امام خمینی برای مبارزه با تهدید رژیم صهیونیستی در قبال کشورهای اسلامی، ابتدا هدف از تأسیس رژیم جعلی اسرائیل توسط دولت‌های استکباری را بیان کرده و آن را تسلط بر تمامی ممالک اسلامی معرفی کردند و از این طریق سعی کردند تا ذهنیت مسلمانان و حکام آنان را از فلسطین به کل کشورهای اسلامی معطوف کنند. ایشان دلیل قدرت گرفتن دولت‌های استعماری و به خصوص اسرائیل را متحد نبودن امت اسلامی با یکدیگر می‌دانستند و از اینکه مسلمانان با وجود آگاهی نسبت به این مسئله درصدد برطرف کردن آن نبودند اظهار تعجب می‌کردند.

امام، ایمان به خداوند متعال را عامل وحدت کلمه می‌دانستند و به ملت‌های اسلامی گوشزد کردند که تعلق و سستی حاکمان آنها در مقابله با اسرائیل باعث سلب مسئولیت از آحاد مردم در این راه نخواهد شد.

## منابع و مأخذ

۱. احمدی، عبدالرحمن، ۱۳۸۷، ساواک و دستگاه اطلاعاتی اسرائیل، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۲. ازغندی، علیرضا، ۱۳۷۶، روابط خارجی ایران (دولت دست‌نشانده) ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷، تهران، نشر قومس.
۳. امام خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۹، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- واکنش‌های امام خمینی نسبت به تهدیدات امنیتی رژیم صهیونیستی در قبال ایران □ ۹۷
۴. تسفریر، الیعزر، ۱۳۸۶، *شیطان بزرگ، شیطان کوچک*، (خاطرات آخرین نماینده اطلاعاتی موساد در ایران)، ترجمه فرنوش رام، لس آنجلس.
  ۵. تقی پور، محمدتقی، ۱۳۸۵، *استراتژی پیرامونی اسرائیل*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ دوم.
  ۶. حاجی یوسفی، امیرمحمد، ۱۳۸۲، *ایران و رژیم صهیونیستی از همکاری تا منازعه*، تهران، دانشگاه امام صادق.
  ۷. زارع، رضا، ۱۳۸۴، *ارتباط ناشناخته*، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
  ۸. سبحانی، سهراب، ۱۳۷۷، *توافق مصلحت‌آمیز روابط ایران و اسرائیل (۱۹۴۸ - ۱۹۸۸)*، ترجمه ع.م شاپوریان، لس آنجلس، نشر کتاب.
  ۹. شیهان، مایکل، ۱۳۸۸، *امنیت بین‌الملل*، ترجمه سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
  ۱۰. عبدالله‌خانی، علی، ۱۳۸۳، *نظریه‌های امنیت*، مقدمه ای بر طرح ریزی دکترین امنیت ملی (۱)، تهران،
  ۱۱. عزری، میثرب، ۲۰۰۰، *کیست از شما از تمامی قوم او*، ج ۱ و ۲، ترجمه ابراهام حاخامی، بیت المقدس.
  ۱۲. فردوست، حسین، ۱۳۷۰، *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی*، ج ۱ و ۲، تهران، انتشارات اطلاعات.
  ۱۳. فریدمن، لورنس، ۱۳۷۸، *مفهوم امنیت*، از کتاب برگزیده مقالات سیاسی - امنیتی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
  ۱۴. فلاح نژاد، علی، ۱۳۸۱، *مناسبات ایران و اسرائیل در دوره پهلوی دوم*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
  ۱۵. قانون، مرتضی، ۱۳۸۱، *دیپلماسی پنهان*، تهران، نشر طبرستان.

- ۹۸ □ فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش‌های انقلاب اسلامی»، سال اول، زمستان ۹۱، ش ۳
۱۶. منصوری، جواد، ۱۳۷۳، *تاریخ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد*، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۷. نجاری‌راد، تقی، ۱۳۸۱، *همکاری ساواک و موساد*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۸. نیکبخت، رحیم، ۱۳۸۴، *زندگی و مبارزات شهید دکتر مفتاح*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۹. ولایتی، علی‌اکبر، ۱۳۸۰، *ایران و تحولات فلسطین*، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۰. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، ۱۳۷۳، *سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی (۱۳۰۰ - ۱۳۵۷)*، تهران، نشر البرز.